



حافظ

بِسْوَخت حافظ و در شِط عشقبازي او
هنوز بر سر عهد و وفاي خويشتن است

صفحه از: علیرضا بهرامی

■ همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir

■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه:
شهرام فرهنگي
■ معاونان سردبیر:
علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

■ سرزمین من:
مدیر: سید زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رفیعی
■ تدرستی:
مدیر: جواد نصرمتی
■ دبیر: مریم سرخوش
■ سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
■ تعامل:
مدیر: فرام شیرزادی
■ طرح و گرافیک:
مدیر: محمدعلی خلیلی

■ سردبیر آنلاین:
اسماعیل سلطنتپور
■ معاونان آنلاین:
مجتبی صادقی،
کامران یارنجی، حامد فوقانی
■ مدیر فضای مجازی:
زهرا سادات بهشتی
■ مدیر بخش زننده:
امیرحسین محمد دوست
■ مدیر تولید تلویزیون:
الهه سادات بهشتی

یادداشت

مرحله شناخت رشته های دانشگاهی



سیدشروش طباطبایی پور

پنجشنبه و جمعه گذشته، بعد از حدود ۲۰ روز تأخیر، بالاخره جناب کنکور

سراسری سؤال هایش را رو کرد و گروهی از دانش آموزان پشت کنکوری بخت پرگشسته هم افتان و خیزان و مداد و پاک کن به دست، میان الف و ب و جیم و دال گزینهای را اسبابه کردند، به امید اینکه زندگی شان سپید شود و در آینده دکتر و مهندس شوند و بتوانند سری در سراها در بیاروند و احتمالا علاوه بر کسب علم و دانش به نان و نوابی هم برسند.

البته که باید به جماعت پشت کنکوری اسمال که حین خواندن و تست زدن، تجربه جدیدی مثل جنگ تحمیلی رژیم بی رحم صهیونی را هم تجربه کرده اند، دست مریزاد گفت و خدا قوت، اما ماجرا هر چه بود گذشت و حالا ما مانده ایم و نوجوانی که تا دیروز طبق برنامه سرکار خانم یا جناب آقای مشاور مهربانش، صبح و ظهر و شام و گاهی هم پساشام درس می خواند و حالا باید پا در دنیای خلأ بگذارد؛ دنیایی که پر است از خواب، بی برنامه گی، بلا تکلیفی و دوباره خواب و لحظه های نامعلوم.

شاید نوجوان تان به شما بگوید که ای بابا بی خیال! دوران پسا کنکور یکی از شیرین ترین بخش های زندگی است که می توانی در آن صبح و ظهر و عصر و شام بخوابی و بخوری و دوستان قدیمی ات را ببینی و آنگاه بازی کنی و دوباره بخوابی و دوباره بخوری و خلاصه منتظر شوی تا نتایج بیاید، اما زهی خیال باطل.

باید به این گروه از بچه ها یادآوری کرد که قبول! اما پس از چند روز بخور و بخواب، بداندید و آگاه باشید که بسایه کنکور هنوز بر سر شماست و انتخاب مهم دیگری در کمین نشسته که اگر از آن غفلت کنید تمام زحمات تان به باد خواهد رفت؛ دوره ای به نام زمان «انتخاب رشته». کاش بچه ها از این مرحله غفلت نکنند و بدانند تا چشم بر هم بزنند زمان انتخاب رشته فرامی رسد و هر قدر آگاهی شان از رشته های تحصیلی دانشگاهی شناخته شده و ناشناخته بیشتر شود، می توانند آینده درخشان تری برای خود رقم بزنند و به موفقیت نزدیک تر شوند.

سوژه روز

گل لبخند



این جا خیابان لبخند است؛ خیابانی در محله شهرک غرب، خیابانی که اگر رهگذرانی که در زندگی، دهه ۷۰ عو ۷۰ تجربه کرده باشند، از تماشایش لذت می برند و به یاد گذشته هایشان می افتند و لبخند روی لب هایشان می نشینند. کاست نوارهایی که تنها راه ممکن برای ثبت و ضبط صدا بود و گاهی از جواهر هم با ارزش تر بود و البته گاهی هم توی دستگاه بخش صوت، گیر می کرد و باره می شد. تلفن عمومی، همان کابین زرد رنگی که امین راهای مگو بود و برای شنیدن صدای دوست و آشنا، باید در آنجا قرار می گرفتی! و گاهی صدای سکه هایی که به شیشه می خورد که: «یه کم سریع تر! تلفن ضروری دارم آقا!» البته که شاید زندگی در آن روزگار سخت تر بود و حالا به خاطر کمک دنیای علم و فناوری، دیگر نیازی به کابین زرد نداریم تا صدایمان به جهان مخابره شود، اما خاطره های آن روزگار، همچنان شیرین است و گل لبخند روی لبهای ما می کارد.



ماه زیبای آزادی

تماشا ی ماه از میان برج آزادی، از آن قاب هایی است که تنها با سسایهی شب و حوصله فراوان عکاس به دست می آید. همیشه عادت داشته ایم که برج آزادی را در شلوغی شهر و روز به تماشا بنشینیم، اما اگر شسبی حوصله کرده و سری به این زیبای تهرانی بزنید، می توانید با چنین صحنه شگفتی هم روبه رو شوید.

■ عکاس: پریسا باجلان

ماه مغرور تهران

اینجا، تهران است، تهران مغرور و دوست داشتنی که ماه بر فراز آن ایستاده.

■ عکس: امیر پناه پور

شکار ماه

آلبومی دل انگیز از تصاویر عکاسان ایرانی از زیبای خفته در آسمان

و داستان آبولو و سفر به ماه را خیالی می دانند، اما حتی اگر این قصه هم واقعی نباشد، چیزی از زیبایی های این قمر زیبای زمین نمی کاهد. حالا که بهانه ای دست داده تا درباره ماه صحبت کنیم، بد نیست در اینجا مجموعه ای از عکس های دوست داشتنی از ماه را که عکاسان خوب ایرانی گرفته اند، با هم مرور کنیم و البته توضیح کوتاهی هم از جغرافیای این عکس ها و... داشته باشیم.

ملی هوانوردی ایالات متحده آمریکا با همکاری حدود ۴۰۰ نفر، امکان سفر ۱۲ فضا نورد را با فضا پیمای آبولو به ماه فراهم کرد و نقطه عطفی در سفر به آسمان ها از خود به جای گذاشت. البته هنوز که هنوز است برخی این ادعا را جعلی می دانند و معتقدند دولت آمریکا داستان سفر به ماه را برای پیروزی در جنگ سرد علیه اتحاد جماهیر شوروی مطرح کرده است و عکس ها، نشانه ها

ماه، ماه مهربان، ماه دوست داشتنی، ماهی که شب ها بیدار می ماند تا ما در نور مهتابش آسوده بخوابیم و خودمان را برای زندگی آماده کنیم. حالا سال هاست که فردا را به نام روز ماه نامگذاری کرده اند؛ چون درست ۵۶ سال پیش در چنین روزی، آدمی قدم روی این قمر طبیعی زمین گذاشت و جای پای خود را روی ماه هم محکم کرد. در سال ۱۹۶۹ میلادی، ناسا، اداره کل



ایستاده در کویر

اینجا کویر مرکزی یا همان دشت کویر ایران است؛ پهناور ترین کویر در فلات ایران که شب هایش، شهره خاص و عام است؛ به خصوص وقتی که ماه و ستاره ها، مهمان کویر باشند. شما اگر حوصله کنید و شبانگاه به دل کویر بزنید، به احتمال زیاد چنین صحنه هایی را بتوانید با چشمان غیر مسلح به تماشا بنشینید. ■ عکاس: علی متین فر



چراغ روشن شهر

گاهی تر کیب طبیعت با نشانه های شهری، قایی هنر مندانه می سازد که هوش از سر هر بیننده ای می برد. عکاس در این قاب، آن قدر منتظر مانده تا ماه، خرامان در جایی که باید، قرار گیرد و طر ی چنین بدیع و طبیعی اتفاق بیفتد؛ گویی که چراغی به طور اتفاقی در آسمان شکل گرفته تا به تاریکی شب، نور ببخشد. ■ عکاس: حسین اکبریان



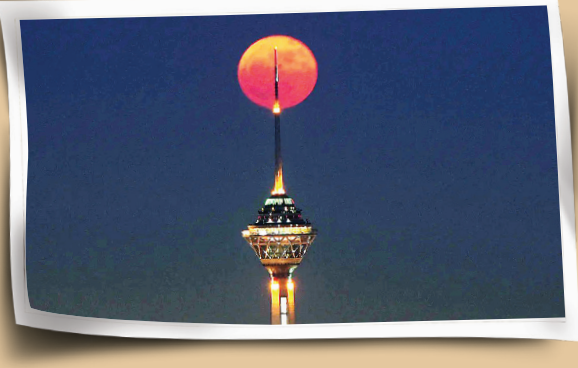
مقایسه ماه و زهره

بایک تفرشی، ستاره شناس و عکاس ایرانی است. او یکی از زیبا ترین مناظر را، مقارنه یا جفت شدن ماه با دیگر سیارات می داند. این تصویر البته با امکانات خاص شکار شده و لحظه مقارنه ماه با زهره را ثبت کرده است که در جزایر قناری رخ داده است. ■ عکاس: بابک تفرشی



سمفونی ماه در شب های شالیزار

اینجا شالیزاری در روستای سر سبز لسکو کلا یه در نزدیکی کیشهر استان گیلان است؛ یکی از مقاصد جذاب دوستداران طبیعت و تک درختی که از نگاه عکاس، شدیداً دنیای اطرافش را زیبا کرده است. عکاس تلاش کرده غروب زیبای ماه را در دومین شب ماهی قمری به تصویر بکشد. ■ عکاس: عماد نعمت الهی



سر بر شانه ماه

روی ماه، ماه، حالا بر فراز برج میلاد دیده می شود و عکاس از حوالی محله حصارک در تهران، لحظه های اولیه شب را به تصویر کشیده است؛ تصویری که تقاطع سر زندگی و زیبایی مدرن و طبیعی به نظر می رسد و نشان می دهد که در دل این شب دود گرفته، چه زیبایی پنهانی نفس می کشد. ■ عکاس: آریا رافع



ای گنبد گیتی ای دماوند

در سال تنها ۱۲ بار و آن هم در لحظاتی کوتاه، امکان تفران ماه کامل با قله دماوند وجود دارد و عکاس برای شکار چنین لحظه ای، باید قله ای را بیابد که در راستای دماوند باشد. پیدا کردن چنین موقعیت دشواری، کار عکاسی است که برای شکار این عکس، ۳ سال زمان گذاشته است. ■ عکاس: مجید قهرودی

خوش خبر

ایران در جمع برترین ها



خیلی حرف است که زمانی حتی پنس اتاق جراحی ات هم باید از گمرک رد و وارد شود، اما روزی پرسد که جزو برترین کشورهای تولیدکننده تجهیزات پزشکی در دنیا باشی. این روزها ایران، تاریخ پر افتخاری در حوزه تجهیزات پزشکی در دنیا رقم می زند و آوازهای همه جا پیچیده، چه افتخاری بالاتر از اینکه کشور همیشه وابسته به واردات اقلام تجهیزات پزشکی، حالا محصولات ساخت نخبگانش به ۵۵ کشور دنیا صادر شود. سر تان را بالا بگیرید که حالا کار از صادرات هم گذشته و خط تولید تجهیزات پزشکی ایران در کشورهای عراق، ترکیه، بلاروس، مالزی و چک هم راه اندازی شده است. تا حالا ۳۳۰۰ شرکت تجهیزات پزشکی با ساخت ۱۰ هزار نوع اقلام مورد نظر در ۲ سال گذشته تولیداتشان را ۴۵ درصد افزایش داده اند و تنها در سال گذشته ۹۰ درصد از نیاز بیمارستان ها را همین شرکت ها تامین کرده اند. برچسب ساخت ایران که روی دستگاه شتاب دهنده خطی – یکی از پیشرفته ترین تجهیزات روز دنیا برای درمان تومورهای سرطانی با حداقل آسیب به بافت های مجاور – نقش بسته، غرور را در دگ و پی هر ایرانی به جریان می اندازد؛ دستگاهی که ایران پنجمین کشور تولیدکننده آن در دنیاست. دستگاه تصویربرداری پزشکی هسته ای ساخت ایران هم یک نمونه دیگر از این باور زیبای «ما می توانیم» است. ایران در چند سال گذشته به باشگاه تولیدکنندگان دستگاه های سی تی اسکن دنیا پیوسته است. افتخار تان بیش باد!

هشتگ

جنبش ارسال کولر به ایتالیا



خیلی از ما ایرانی هایی که در شهر های گرم یا گرم و شرجی زندگی می کنیم، فکرش را هم نمی کنیم که حتی یک روز را بدون کولر بگذرانیم؛ وسیله ای که ۴۰ ساله از سال در حال استراحت است و همین ۳ ماه تابستان – اگر بدرها بگذاردند – قرار است خانه را خنک کند و از گرما نجات مان دهد. حالا فکرش را بکنید که در ناف اروپا و در کشور ایتالیا، به دلیل گرما بودن هزینه برق و اینکه کلاز قدیم مرسوم بوده، خانه ها – به ویژه خانه های دانشجویی – کولر ندارند و کسی از این وسیله سرمایشی عزیز استفاده نمی کند. حتی با اینکه این روزها در این کشور هم هوا گرم و شرجی است، بیشتر خانه ها حتی جایی هم برای نصب کولر و کانال این بزرگوار ندارند. همین موضوع اخیراً دستمایه گلابه و شوخی برخی از کاربران ایرانی شده که در این کشور ساکن هستند. یکی از این کاربران ساکن ایتالیا نوشته: «بچه های ایتالیا چه جوری زنده می مونید؟ من دیروز و امروز واقعا حالم خوب نیست و پنکه هم واقعا دیگه جواب نمی ده.» و این هم نوشته تعدادی دیگر از کاربران ایرانی که پز کولر داشتن را به ایتالیایی ها می دهند:

- طرح تعویض اردبیل با ایتالیا!
- کمین از سال پنکه و کولر برای مردم مظلوم ایتالیا.
- بچه های ایتالیا متأسفم برای تجربه تلخی که دارین. ما ایران تو شرکت زیر کولسریه پنکه هم گذاشتیم که خنک تر شیم، اون یکی کولرم تورا نصبه.
- امروز که کولر خونه رو روشن کردم، بغضم ترکید، به یاد بچه های ایتالیا.
- صبور واقعی، اونیته که تو گرمای ایتالیا، بدون کولر، هنوز هم خوش اخلاق باشه.
- متأسفم برای تجربه تلخ بچه های ایتالیا. ما اینجا تو اتوبوس ها هم کولر داریم.
- باشیم بریم جلوی سفارت ایتالیا به نشانه همدردی پنکه روشن کنیم.
- امروز برای همدلی با عزیزان ساکن در ایتالیا درجه کولر رو از ۲۴ گذاشتم روی ۲۵.
- با یام من کولر رو خاموش می کنه که با بچه های ایتالیا همدردی کنم. خلاصه خواستم بگم توی غم تون منم هم شریک بدویند.